

تقویم پارینه آید به کار بررسی چند تقویم خطی و چاپ سنگی عصر قاجار

مهدی مهران

تقویم رقومی در ادوار گذشته، نزد ما ایرانیان حایز اهمیت بوده و جزو ضروریات زندگی روزمره بشمار می‌رفته تا آنجا که عقد و ازدواج و زراعت و کشت و کار براساس تقویم‌ها انجام می‌گرفته است. سیاحان خارجی در سفرنامه‌های خود درباره اهمیت این تقویم‌ها چنین ذکر کرده‌اند که ایرانیان با مراجعه به این تقویم ساعات سعد و نحس کارهایشان را مشخص می‌نموده‌اند. مثلاً: اوضاع کواکب دلالت داشت به این که فلان عمل در چه روزی و چه ساعتی باید شروع شود، حتی در کارهای روزانه از قبیل دوختن لباس و رفتن به گرمابه و دید و بازدید هم دلالت کواکب و ساعت سعد و نحس را رعایت می‌کرده‌اند.^۱

شادروان مجتبی مینوی در مقدمه گاهنامه طهران سال ۱۳۰۵ چنین آورده است: دارای بزرگ هخامنشی پسر گشتاسپ شاه حامی زرتشت در اواخر سلطنت خود (در حدود سال ۴۹۰ قبل از میلاد) ترتیب سال اوستائی را در مملکت ایران رسمی ساخت و آن به این طور بود که سال را درست ۳۶۵ روز و هر ماه را سی روز بگیرند و پنج روز زائد را در آخر سال اندرگاه در آوردند و یال اول ماه فروردین روز هرمز شروع شود و آن روز را نوروز خوانند و جشن بگیرند و چون سال حقیقی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه و نیم است و اگر از این چند ساعت اضافی صرف نظر شود اول سال به مقدار چهار ساعت قریب یک روز از اول سال شمسی حقیقی عقب خواهد ماند یک قسم کبیسه اختراع کرده بودند که در هر صدوبیست سال یک ماه بر سال اضافه می‌گردد و آن سال را سیزده ماه می‌گرفتند. به طوری که در هر صدوبیست سال اول، دو فروردین ماه در یک سال بوده و اندرگاه در آخر ماه نخستین از دو ماه مکرر حساب می‌شده و آن

۱. اقتباس از ایران کلمه و شوش - نویسنده مادام دیولافوا صفحه ۷۳.

تقویم پارینه آید به کار؛ بررسی چند تقویم... / مهدی مهران

سال، سال سیزده ماهه را (وهیزک) یعنی مبارک می‌نامیدند و جشن می‌گرفت و در آخر صدویست سال دوم، دو اردیبهشت ماه و در آخر صدویست سال سوم، دو خرداد ماه و در آخر صدویست سال چهارم، دو تیر ماه و در آخر صدویست سال پنجم، دو مرداد ماه و در آخر صدویست سال ششم، دو شهریور ماه و در آخر صدویست سال هفتم، دو مهر ماه و بنابراین در آخر صدویست سال ساله هشتم (سال ۴۷۰ میلادی) دو آبان ماه در یک سال بوده و از آن سال تا (سال ۵۹۰ میلادی) اندرگاه همیشه در آخر آبان ماه مانده و این موافق نص تواریخ است که گفته‌اند در زمان سلطنت انوشیروان اندرگاه در آخر آبان ماه بوده و چون از آن زمان به بعد دیگر اجرای کیبسه صدویست سال نشده و اندرگاه در نزد پارسیان همان‌طور در آخر آبان ماه مانده است. باید دانست که این اجرای کیبسه فقط در میان موبدان برای گزاردن اعمال مذهبی متداول بوده و سال عرفی بدون کیبسه جاری می‌شده و به این جهت نوروز (یعنی اول فروردین ماه، نه اول بهار) در دوره سال می‌گشته و در زمان حمله عرب به ایران نوروز در اول تابستان بوده و در مدت صدویست ساله میان سال ۳۳۰ و سال ۴۵۰ هجری نوروز باز در حوالی برج حمل و اوایل بهار می‌گشته و امروز پارسیان (روز هرمز ماه فروردین یزدی‌گردی) در نیمه دوم مرداد ماه واقع می‌شود.

مبدأ تاریخ ایرانیان در زمان سلطنت هر پادشاهی سال جلوس همان شاه بوده و چون سلسله سلطنت ساسانی یزدگرد شهریار ختم شد پارسیان امروز هنوز سال را از ابتدا جلوس یزدگردی (جمادی‌الاول یا شعبان از سال ۱۱ هجری مطابق با ۶۳۲ میلادی) می‌شمارند و امسال ۱۲۹۶ یزدگردی است. سال ۴۶۷ که نوروز یعنی اول فروردین ماه مصادف با ۱۳ حوت شده بود به امر او چند نفر از علما و ریاضیون که از آن جمله حکیم عمر ابن ابراهیم الخیامی نیشابوری (متوفی به سال ۵۱۷) بوده اصلاحاتی در تقویم به عمل آورده‌اند و کیبسه دقیق ترتیب داده‌اند که اول سال را ثابت نگاه دارند و سال اجرای این ترتیب (۱۰ رمضان ۴۷۱ مطابق ال حمل سال ۱۰۷۹ میلادی) را مبدأ تاریخی قرار داده‌اند که هنوز به نام تاریخ جلالی معروف است؛ ولی چون این مبدأ تاریخ به تدریج از بین رفت و همان سال هجری متداول شد، ترتیب کیبسه جلالی نیز منسوخ گشت. در آخر این مقدمه قصیده‌ای را که ظاهراً یکی از شعرای عهد ملک شاه در زمان تأسیس تاریخ جلالی نظم کرده درج می‌نماییم.

از ابتدای سال ۱۳۰۴ بر حسب مصوبه مجلس شورای ملی مقرر شد که سال رسمی را شمسی حقیقی و مبدأ سال را اول بهار (نوروز) و مبدأ تاریخ را هجرت پیغمبر بگیرند و اسامی مشهور اسماء ماه‌های قدیم باشد شش ماهه اول هر یک سی و یک روز و پنج ماه بعد هر یک سی و روز و ماه آخر (اسفند ماه) ۲۹ روز و در سنین کیبسه آن نیز سی روز حساب شود. برای این که احتیاجی به ترتیب کیبسه نباشد هر سال موقع تحویل آفتاب به برج حمل را منجمین استخراج نمایند اگر قبل از ظهر اتفاق افتاد آن روز را نوروز گیرند و اگر بعد از ظهر واقع شد روز بعد را، و امسال تحویل آفتاب به برج حمل ۱۵ دقیقه از غروب روز دوشنبه ۱۷ رمضان ۱۳۴۵ گذشته است.

سال عرب پیش از اسلام شمسی بوده به این طور که ماه را قمری می‌گرفتند و در هر سال یک مرتبه

دو ذی‌الحجه داشته‌اند و آن سال را سیزده ماه می‌گرفتند و چهار فصل سال به این ترتیب ثابت بوده است. ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی و جمادى‌الاولی (سه ماه پائیز) - جمادى‌الاثانیه و رجب و شعبان (سه ماه زمستان) - رمضان و شوال و ذی‌القعدة (سه ماه بهار) - ذی‌الحجه و محرم و صفر (سه ماه تابستان)، زیرا که به قول ابن قتیبه به معنی پائیز (خریف) و شتاء به معنی زمستان و صیف به معنی بهار و قیظ به معنی تابستان بوده است.

مبدأ تاریخ هجری، هجرت پیغمبر ما محمد بن عبدالله است از مکه به مدینه و آن در ماه ربیع‌الاول و سال ۳۳ پادشاهی خسرو پرویز و پنج ماه و شش ماه و پانزده روز پیش از مرگ این پادشاه و ده سال و دو ماه (یا چهار ماه) به حساب سال و ماه عربی قبل از جلوس یزدگردی شهریار بوده و زمانی که مبدأ تاریخ هجری را تأسیس نمودند سال را از ماه محرم همان سالی که در ماه ربیع‌الاولش هجرت پیغمبر اتفاق افتاده یعنی دو ماه و هشت روز پیش آغاز نمودند (از اتفاقات این که ولادت و هجرت و حضرت رسول هر دو در ماه ربیع‌الاول است)

جهان جوان شده اکنون به فروردین	نموده تازه چمن را به سنبل و نسربین
مگر که مؤدۀ اردیبهشت داد صبا	که گشته صحن چمن‌نگار خانۀ چین
جهان به موسم خرداد مه نهاد از گل	به فرق پادشه گلبن افسر زرین
به تیر ماه ز گرمی دهان مرغان باز	برای آب به پرواز از یسار و یمین
به عهد دولت مرداد شد فضای چمن	نگار خانۀ ارژنگ و صحن خلد برین
به وقت موسم شهریور از شهر جدید	فزاید از شرف ارباب جاه را تمکین
به مهر ماه شده چار امهات عقیم	از آنکه آمده آبادی هفتگانه عنین
چو گشت فصل آبان ابر از برای نثار	به فرق شاهد گلزار ریخت در ثمین
چو گشت نوبت آذر به جان باغ افتاد	هزار شعلۀ آتش چو آذر برزین
به بدی زواج کند مهر رو به سوی حبیض	برای سجده درگاه شاه عدل آئین
همیشه تا که بود دور بهمن و اسفند	ترا بکام بود گردش شهرور و سنین
همیشه از پی هر سال تا بود خمره	فزوده باد بهر سال عمر تو خمسین ^۱

گفتنی است در طی قرون و اعصار، سلاطین و حکام ولایات هر کدام در دستگاه خود منجم نگاه می‌داشتند و برای آنان مقرری تعیین می‌کردند. منجمان علاوه بر تدوین تقویم سالانه که به صورت نسخه‌های خطی و منحصر به فرد تقدیم پادشاه و حکام ولایات می‌نمودند، جهت آغاز جنگ و یا برپایی

۱. (مقتبس از مقالات آقای سید حسن تقی‌زاده) در دو شماره مجله کاوه مطبوعه برلین مورخ جمادى‌الآخر و ۱۳۳۹ و روزنامه ایران مورخ دلو ۱۳۰۳ در شفق سرخ مورخه فروردین ماه ۱۳۰۴ و مجموعه قوانین موضوعه مملکتی و کتاب تاریخ سنی ملوک الارض لحمزة بن الحسن الاصبهانی و ادب الکتاب لا بن قتیبه.

تقویم پارینه آید به کار؛ بررسی چند تقویم... / مهدی مهران

چشم‌ها و غیره، قرآن سعدین را نیز در نظر می‌گرفتند.
حافظ شیرازی می‌گوید:

گفتم که خواجه کی بسر حجله می‌رود گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند

نسخ تقویم‌های خطی به دلیل منحصر بودن در نگارش و تذهیب و جلدسازی بسیار مهم و نادر می‌باشند. منجمان قبل از آمدن صنعت چاپ به ایران تقویم‌های خطی خود را خدمت سلاطین یا حکام تقدیم می‌کرده‌اند. این نوع تقویم‌ها بعد از آمدن چاپ سنگی به مرور کمیاب شد و منحصر به کتابخانه‌های محققین شدند. از آنجایی که اکثر مردم ایران علاقه‌ای به آرشیداری نداشتند تقویم پارینه را مثل مطبوعات و کتب خطی روانه مغازه عطاری و بقالی کردند تا به جای کاغذ باطله استفاده شود.

امروزه مجموعه‌داران و علاقه‌مندان این رشته برای تهیه تقویم‌های خطی و سنگی که بسیار نادر می‌باشند رنج و مشقت فراوانی متحمل می‌شوند و وقت و هزینه بسیاری را صرف یافتن آنها می‌کنند، غافل از آنکه گذشتگان، آنها را از گردونه تاریخ خارج کرده‌اند. برخی از ناشران برای چاپ تقویم با منجمین قرارداد می‌بستند ولی پس از چندی وعده و قرار خویش را فراموش نموده در تعداد چاپ آن تجاوز کرده، یا تقویم‌های منجمین ناآشنا را به نام منجمین معروف انتشار می‌دادند. منجمین کم‌کم به راه حلی پی بردند و آن این بود که گوشه تقویم خود را مهر بزنند و زیر آن بنویسند که: هر نسخه‌ای که به مهر دستی منجم نرسیده باشد قلب و توقیف است. از باب مثال: ابوالقاسم نجم‌الملک نوشته است که: تقویم اینجانب مهور بر مهر قرمز مثلثی است. بر روی جلد تقویم یا تصویر شیر و خورشید گراور شده و یا نام منجم به چاپ می‌رسید. در صفحه دوم عکس سلاطین و روحانیون و یا عکس منجمین و استاد منجمین به چاپ می‌رسید. تصاویر پشت جلد تقویم‌های قدیمی‌تر حاوی ترنج و لچک به تقلید از نسخه‌های خطی بوده و بعدها تصاویر میمون و گاو و موش و خرگوش جایگزین آنها شد. سخن کوتاه: مطلب مورد نظر این مقاله نمایشگاه «تقویم پارینه» است که اسفند ماه سال ۱۳۵۲ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران برگزار شد. در این نمایشگاه مجموعه نفیسی از تقویم‌های زنده‌یادان احمد نجم آبادی و سعید نفیسی و محمد رضانی در معرض تماشا قرار گرفت و اساتید و دانشجویان و رجال برجسته آن زمان از نمایشگاه دیدن کردند که در طول صد سال اخیر برای اولین بار برگزار می‌شد. اکنون ۳۷ سال از تاریخ برگزاری نمایشگاه پارینه می‌گذرد. هدف گذشتگان از برگزاری چنین نمایشگاهی احیای این رشته تاریخی بوده که حتی بعد از سال‌ها تلاشی برای زنده نگاه داشتن آن صورت نگرفته و زحمات پیشینیان هم در این باره نادیده گرفته شده است.

این مقاله کوتاه شاید پیامی باشد برای اهداف بزرگ‌تر که امیدواریم در سال‌های پیش رو کتب و مقالات جامع‌تری از اساتید این رشته که همه عمر خود را در این راه تلاش کرده‌اند ببینیم یا حتی الامکان نمایشگاه دیگری برپا نماییم و نسل جوان را به این رشته علاقه‌مند سازیم. در این جا بر خود لازم می‌دانم از همکاری آقایان مهدی عباسی و ناصر الدین حسن زاده که حق استادی بر این بنده را دارند صمیمانه سپاس‌گزاری کنم.

تقویم پارینه آید به کار؛ بررسی چند تقویم.../ مهدی مهران

- ۱- ۱۲۳۸ قمری استخراج محمد حسین محلاتی
- ۲- ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۸ قمری بدون نام استخراج کننده
- ۳- ۱۲۷۶ تا ۱۲۹۰ قمری استخراج عبدالوهاب منجم مهدعلیا
- ۴- ۱۲۸۲ قمری استخراج محمود قمی مفتاح الممالک (کاشف ستاره محمودی) که با اعداد هندسی است.
- ۵- ۱۲۸۹ قمری (۱۲۵۹ شمسی) استخراج محمد مهدی حسینی بن میرزا حسن منجم باشی.
- ۶- ۱۲۷۸ قمری به بعد (۱۲۴۰ شمسی تا ۱۲۸۵ شمسی) استخراج عبدالغفار بن علی محمد نجم الدوله (که ابتدا به نجم الملک ملقب بود)
- ۷- ۱۲۷۱ (۱۳۰۹ قمری) تا ۱۲۸۸ شمسی، استخراج محمود خان منجم باشی برادر زاده عبدالغفار
- ۸- ۱۲۷۸ شمسی (۱۳۲۷ قمری) تا ۱۳۰۸ شمسی استخراج میرزا ابوالقاسم نجم الملک نواده نجم الدوله
- ۹- ۱۲۹۰ شمسی (۱۳۲۷ قمری) تا ۱۳۰۲ شمسی استخراج عبدالعلی منجم تبریزی ملقب به نجم الدوله
- ۱۰- ۱۲۹۵ شمسی (۱۳۳۴ قمری) تا ۱۳۰۲ شمسی استخراج ملا مهدی منجم باشی خراسانی ارض قدس
- ۱۱- ۱۲۹۸ شمسی (۱۳۲۸ قمری) تا ۱۳۰۲ شمسی استخراج جواد جهانبخش منجم باشی
- ۱۲- ۱۲۹۸ شمسی (۱۳۳۷ قمری) تا ۱۳۴۲ شمسی استخراج اسمعیل
- ۱۳- ۱۳۰۲ شمسی (۱۲۴۱ قمری) استخراج میرزا حسین زنوزی
- ۱۴- ۱۳۰۲ شمسی تا ۱۳۱۶ شمسی استخراج عبدالحسین بن ملا محمد مهدی منجم باشی افغانستان
- ۱۵- ۱۳۰۳ شمسی تا ۱۳۱۵ شمسی استخراج سید جلال الدین طهرانی
- ۱۶- ۱۳۰۳ شمسی تا ۱۳۱۵ شمسی استخراج میرزا احمد منجم باشی شیرازی
- ۱۷- ۱۳۰۵ شمسی تا ۱۳۲۰ شمسی استخراج محمد جعفر مجیر السلطان مراغه‌ای
- ۱۸- ۱۳۱۳ شمسی تا ۱۳۴۰ شمسی استخراج عبدالله پیوندی سنندجی
- ۱۹- ۱۳۱۶ شمسی تا ۱۳۴۱ شمسی استخراج حبیب الله نجومی بن میرزا احمد منجم باشی شیرازی
- ۲۰- ۱۳۱۹ شمسی تا ۱۳۲۵ شمسی استخراج محی الدین قدسی
- ۲۱- ۱۳۲۶ شمسی استخراج میرمحمد حسینی مهاجرانی اراکی (تقویم ماکار خواهان)
- ۲۲- ۱۳۴۷ شمسی تا ۱۳۴۰ شمسی استخراج شیخ عبدالنبی کشفی خراسانی منجم باشی.
- ۲۳- ۱۳۲۹ شمسی تا ۱۳۴۳ شمسی استخراج شیخ عباس مصباح زاده نجم منجم باشی
- ۲۴- ۱۳۳۳ شمسی استخراج یدالله مریخی منجم باشی عجب شیر
- ۲۵- ۱۳۳۸ شمسی استخراج حسن حسن زاده نجم الدین آملی
- ۲۶- ۱۳۴۰ شمسی تا ۱۳۴۱ شمسی استخراج آقا مرتضی مدرس گیلانی
- ۲۷- ۱۳۴۱ شمسی استخراج سید حسن موسوی نجم‌السادات خراسانی^۱

۱. راهنمای کتاب جلد هفدهم صفحه ۱۹۴-۱۹۲